

# عبور از گردنه‌های خطرناک



## اشاره

یکی از کلیدواژه‌هایی که در قرآن کریم و روایات از جمله نهج البلاغه به کار رفته است، واژه فتنه و مشتقات آن است. در قرآن کریم این ماده در حدود ۶۰ مرتبه و در نهج البلاغه حدود ۸۰ مورد به کار رفته است. واژه‌های «فتنه» و «فتن» و «افتتان» و «مفتون» و سایر مشتقات در قرآن کریم و روایات مکرر ذکر شده است، اما موارد کاربرد آن‌ها خیلی متفاوت است. این نوشتار برداشتی آزاد از مجموعه سخنرانی‌های حضرت استاد علامه مصباح یزدی درباره فتنه است.

## مفهوم فتنه

در قرآن کریم موارد مختلفی از این واژه ذکر شده که آن‌ها خیلی به یک‌دیگر شباهت دارند، به طوری که در عمل حکم مشترک لفظی را دارند.

اجمالاً موارد استعمال کلمه فتنه در قرآن کریم به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را مشترک معنوی دانست و همه جا برای ماده «فتن» یک معنا لحاظ کرد؛ زیرا وقتی به بررسی این واژه در قرآن می‌پردازیم، می‌بینیم که این واژه در معانی مختلفی استعمال شده است. مثلاً در آیه شریفه **إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ** به درستی که اموال و اولاد شما بی‌ارزش هستند. همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: **الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ**؛ فتنه از قتل بدتر است. فتنه در این جا با فتنه در آیه قبلی چه نسبتی دارد؟ یا در آیه **بِأَيْكُمُ الْمَفْتُونُ** مفسرین در مورد این آیه می‌فرمایند: کسانی العیاذ بالله به پیغمبر اکرم نسبت جنون دادند، این آیه می‌گوید آیا شما اولی به جنون هستید یا او؟ در این جا مفتون معنی مجنون است. همانگونه که مشخص است هیچ جهت مشترکی که قابل قبول باشد، بین این معانی وجود ندارد.

قاعده‌ای در زبان‌شناسی وجود دارد که می‌گوید: اصولاً الفاظ از هر زبانی در ابتدا برای مصادیق مادی وضع می‌شوند؛ زیرا انسان از ابتدا که شروع به سخن گفتن کرد، هنوز مسائل معنوی و انتزاعی را درست درک نمی‌کرد. آن چه مورد نیاز او بود، همین مصادیق مادی که در دنیا با آن‌ها سر و کار دارد، بود. مثلاً لفظ علو را اول برای مفهوم بالا بودن سقف نسبت به کف و امثال آن وضع کرد. سپس به معانی‌ای که تعبیر دیگری با آن مناسب نیست جز این که بگوییم آن‌ها بلند هستند، توجه پیدا کرد. مثل این که بگوییم مقام خدا علو دارد. یعنی بعد از تصور علو مادی، این معنا را برای علو معنوی تصور می‌کرد. در این جا همان لفظی را که برای علو مادی وضع شده بوده، از ماده تجرید کرد و برای علو خداوند نیز استعمال کرد. یعنی دو گونه علو داریم؛ یکی علو حسی و دیگری علو معنوی است و خدا علو معنوی دارد. این قاعده را در زبان‌شناسی می‌توان مورد توجه قرار داد که اول الفاظ برای مصادیق

مادی وضع شده و تدریجاً به مناسبت‌هایی برای معانی انتزاعی اعتباری، سپس برای معانی معنوی مافوق طبیعی به کار رفته است.

می‌توان این را یک قاعده‌ای تلقی کرد که الفاظ در ابتدا برای معانی حسی وضع شده، سپس تدریجاً با تصرفاتی، مانند این که ابتدا به صورت مجاز یا قرینه، بعد کم‌کم به صورت منقول و بعد به صورت یک معنای جدید دیگری استفاده شده است.

بر این اساس وقتی موارد استعمال فتنه بررسی می‌شود، حسی‌ترین معنایی که برای آن در خود قرآن کریم استعمال شده، آیه شریفه: **«يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ»** است؛ یعنی به عنوان عذاب، انسان‌هایی در روز قیامت روی آتش گذاخته می‌شوند. فتن در این جا به معنای داغ کردن و سوزاندن است. وقتی طلا را در آتش ذوب می‌کنند، می‌گویند: فتن الذهب، یعنی طلا را روی آتش آب کردند. از این جهت می‌توان گفت: اولین باری که فتن وضع شده، برای همین داغ کردن وضع شده است. این داغ کردن یک لوازم و اتاری دارد. به مناسبت این آثار و لوازم، اول مجازاً و بعدها به صورت منقول،

لفظ «فتن» را در معانی دیگری استعمال کردند. معمولاً وقتی چیزی را روی آتش داغ می‌کنند، حرکتی اضطرابی در آن پیدا می‌شود. لذا بعدها «فتن» را در مورد اضطرابات به کار بردند. اضطراب گاهی در روح و روان انسان پیدا می‌شود، گاهی جامعه متزلزل و مضطرب می‌شود. تدریجاً فتنه معانی جدیدی پیدا کرده و بعد در مورد بلاها و مشکلاتی که برای انسان پیش می‌آید و انسان را متغیر و مضطرب می‌کند، به کار رفته است.

**حسین ترین معنایی که برای فتنه در خود قرآن کریم استعمال شده، آیه شریفه: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَلُونَ» است؛ یعنی به عنوان عذاب، انسان‌هایی در روز قیامت روی آتش گذاخته می‌شوند.**

**اصل واژه فتنه به معنی گذاختن و داغ کردن بوده. سپس بر اساس یکی از لوازم آن که اضطراب است، کم کم به اضطراب‌های روحی و و آشوب‌ها گسترش یافته تا به آشفتگی‌های دینی رسیده است.**

## فتنه و امتحان

از آن جا که در امتحان یک نوع اضطراب وجود دارد، به امتحان نیز فتنه گفته شده است. در آیه شریفه اول سوره روم می‌فرماید: «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكَّوْا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟» یعنی آیا مردم می‌پندارند که وقتی می‌گویند ما ایمان آوردیم، ما همین‌طور از آن‌ها قبول می‌کنیم و کار تمام می‌شود و دیگر امتحان نمی‌شوند؟ «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...»؛ ما همه پیشینیان را امتحان کردیم، شما را هم امتحان خواهیم کرد. در اینجا فتنه به معنای امتحان است.

اصل واژه فتنه به معنی گذاختن و داغ کردن بوده، سپس بر اساس یکی از لوازم آن که اضطراب است، کم کم به اضطراب‌های روحی و و آشوب‌ها گسترش یافته تا به آشفتگی‌های دینی رسیده است؛ زیرا اگر فضایی ایجاد شود که اعتقادات دینی مورد شک و تردید قرار بگیرد، موجب یک نوع اضطراب، آشفتگی و ابهام می‌شود. لذا کسانی که در دین خود شک می‌کنند، به نوعی دچار فتنه می‌شوند. آیه‌ی «... وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...» را مفسرین می‌گویند: یعنی کاری کنند که مردم در دین خود شک کند و مضطرب شوند؛ نفهمند دین حق و اعتقادات صحیح کدام است. این بدتر از آن است که آن‌ها را بکشند، زیرا وقتی کسی کشته شود؛ اگر مؤمن است، به بهشت می‌رود و اگر غیر مؤمن است از آن بدتر نمی‌شود، اما وقتی یک مؤمنی دین او مورد فتنه واقع شد، یعنی وسایل شک و تردید در دین او فراهم شد و ایمان خود را از دست داد، دیگر اهل نجات نیست. مسلماً ضرر، این بیش از کشتن او است.

فتنه به معنای عام آن شامل همه موارد امتحان، چه امتحانات فردی، چه امتحانات گروهی و اجتماعی می‌شود.

### دنیا جایگاه امتحان و فتنه

خداوند می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ...»<sup>۵</sup>: ما مرگ و زندگی را آفریدیم برای این که شما را امتحان کنیم. این امتحان برای این است که: «... أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...» که کدام یک از شما کارتان بهتر است؛ یعنی خدا برای ارزشیابی کار یک شرایطی را فراهم می‌کند. اسم این، امتحان است. پس بر حسب این آیه و ده‌ها آیه دیگر، خداوند شرایطی پیش می‌آورد تا ما امتحان شویم و آن‌چه در درون و باطن داریم، ظاهر شود. هر چند خدا از اول می‌داند که هر کسی چقدر گناه خواهد کرد، ولی خداوند این ویژگی را به انسان داد تا خود او با اختیار خود این مسیر را طی کند، لذا انسان لیاقت کرد تا به مقام خلافت الهی برسد.

لازمه‌ی اختیار و انتخاب این است که انسان دو گرایش مختلف داشته باشد؛ گرایشی که او را به طرف گناه بکشد و گرایش دیگری که او را به طرف عبادت سوق دهد. قرآن اسم این وضعیت که انسان را بر سر دوراهی‌ها و چندراهی‌ها قرار می‌دهد، امتحان می‌گذارد. وقتی انسان در این حالت قرار می‌گیرد، مضطرب می‌شود. این اضطراب خوف از خدا است و هر چه ایمان قوی‌تر باشد، ترس و اضطراب انسان بیشتر می‌شود.

هدف نزدیک آفرینش امتحان است، هدف دوم آن پاداش و بهشت است و هدف نهایی آن رسیدن به قرب الهی است و این نعمتی است

که ملائکه نمی‌توانند دریافت کنند؛ زیرا ظرفیت آن را ندارند. البته خداوند احتیاج به امتحان کردن ندارد؛ بلکه منظور این است که باطن شخص ظهور پیدا کند، یا به تعبیر دیگری که بیشتر قابل بیان باشد، تا استعدادهای او در جهت صعود، یا نزول و هبوط شکوفا شود.

### گستره فتنه

رابطه میان فتنه و آزمایش یک رابطه عام و خاص است؛ یعنی هر آزمایشی فتنه نیست؛ ولی هر فتنه‌ای آزمایش و امتحان است. در میان آزمایش‌هایی که وجود دارد، مواردی که اهمیت، گرفتاری، درگیری و ابهام آن بیشتر است، علاوه بر مفاهیمی چون ابتلاء، مفهوم فتنه نیز به آن‌ها اطلاق می‌شود. «فتنه» آن آزمایش‌های حساس و کارساز است. بخشی از موارد آزمایش، امور ملذذی هستند: «لِيَبْلُوَكُمْ بَشِيءَ مِنْ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ...»<sup>۶</sup> گرسنگی، خوف و ناامنی، از دست دادن زن و فرزندان، از بین رفتن اموال، این‌ها همه این یک بخشی از وسایل آزمایش است.

بخش دوم موارد امتحان، مربوط به جهات فکری و عقیدتی و وسوسه‌های شیاطین است. القاناتی که شیطان القاء می‌کند، وسیله آزمایش است: «لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً...»<sup>۷</sup>. قرآن به این موارد به خصوص به عنوان فتنه توجه کرده است. همه آن‌چه در زمان ما از شبهات و شکوکی که در اعتقادات دینی القاء می‌شود و دائما رسانه‌های خارجی و سایت‌های وابسته برای تضعیف عقاید پخش و توزیع می‌کنند، همه در این قسم دوم یعنی فتنه‌های دینی، فکری، و اعتقادی قرار می‌گیرد. همانگونه که بیان شد، خداوند می‌فرماید: این نوع فتنه در میان جامعه از قتل آن‌ها بدتر است.<sup>۸</sup> در آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ...»<sup>۹</sup> به این مطلب اشاره دارد که برخی از فتنه‌ها بدون قتال رفع نمی‌شود، لذا خداوند می‌گوید: با مشرکین قتال کنید حتی دیگر فتنه‌ای نباشد، یعنی زمینه گمراه کردن دیگران ریشه‌کن شود.

دسته سوم فتنه‌هایی است که به امور اجتماعی مربوط می‌شود. فتنه‌های اجتماعی موجب گمراهی انسان‌های زیادی شده است. گاهی نسل‌هایی از انسان‌ها بر اثر یک فتنه‌ی اجتماعی گمراه می‌شوند که دامنه آن تا روز قیامت باقی می‌ماند.

حتی وجود خود پیغمبران برای دیگران ممکن است یک فتنه و یک آزمایش باشد. مانند: «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا...»<sup>۱۰</sup>. خداوند حضرت موسی (ع) را که یک چوپان است، نزد فرعون می‌فرستاد تا بگوید: من پیغمبر هستم و باید از من اطاعت کنی. این یک جلسه امتحان برای فرعون است، اما او حضرت موسی (ع) را مسخره کرده و به او می‌خندد و می‌گوید: آیا خدا کس دیگر را نداشت تا او را بفرستد؟ یک چوپان فقیر تهیدست را فرستاده است!

در زمان حضرت محمد (ص) نیز امر بر عده‌ای نسبت به بعثت حضرت مشتبه شد و می‌گفتند لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریشین عظیم اگر خدا می‌خواست پیغمبر بفرستد، چرا یک شخص عظیمی را نفرستاد. منظور آن‌ها این بود که چرا خداوند یک فرد پول‌دار و دارای موقعیت اجتماعی مهمی را پیغمبر نکرده و یک جوان یتیمی را که از بچگی یتیم شده است، می‌فرستد؟ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

رابطه میان فتنه و آزمایش یک رابطه عام و خاص است؛ یعنی هر آزمایشی فتنه نیست؛ ولی هر فتنه‌ای آزمایش و امتحان است.

در دوران حکومت حضرت علی (ع) حتی بعضی از کسانی که با حضرت بیعت کردند، پس از دیدن روش حکومت آن حضرت فهمیدند که علی (ع) برای آن‌ها سهمی در اداره امور جامعه قایل نیست، او را تنها گذارده و حتی جنگ‌هایی را علیه او راه انداختند.

من بینا این گونه ارسال، خودش یک زمینه امتحان است که خداوند منت گذاشت و از میان جامعه‌ی بشری و افراد مهم اجتماعی کسی را انتخاب کرد که دارای جایگاه مادی اجتماعی نباشد تا انسان میزان بندگی خود را نشان بدهد.

تمامی این‌ها مصادیق امتحان برای انسان‌ها است و هر کدام مراحل مختلفی از شدت و ضعف را دارد. ما در این عالم مانند دانش‌آموزی هستیم که سر جلسه امتحان نشسته و تمام حواس خود را متمرکز نموده تا اشتباه نکند. این عالم جای امتحان و همه چیز آن وسیله امتحان است. وقتی کل عالم جای امتحان است، هر حرکت و عملی را انجام می‌دهیم و یا سخنی را می‌گوییم و یا می‌شنویم، باید در جهت کسب موفقیت و سرفرازی از این امتحان عظیم باشد.

### عبور از فتنه

شرایط زندگی در این جهان بی‌شبهات به جریان مسابقات نیست و همان‌گونه که ورزشکاران مدت‌ها تمرین می‌کنند تا در مراحل مختلف مسابقات ورزشی پیروز شوند، در زندگی نیز افراد از سویی نگران شرایط مسابقه هستند و از سوی دیگر نگران بازنده شدن، با این تفاوت که در مسابقات ورزشی فرد بازنده فقط از جایزه محروم می‌شود؛ ولی کسی که در مسابقه زندگی در برابر نیروهای شیطانی و نفسانی ببازد، نه تنها از پاداش دنیوی محروم می‌شود، بلکه عذابی طولانی و ابدی را در پیش خواهد داشت. این مسابقات و آزمایش‌ها سیری صعودی دارد و در هر مرحله نسبت به قبل سخت‌تر می‌شود و این امر لازمه رشد و ترقی از مرحله‌ای به مرحله بالاتر است. این سیر صعودی در برخی از مراحل بسیار دشوار می‌شود و تشخیص برای هر کسی آسان نمی‌باشد. گاهی فتنه‌هایی پیش می‌آید که حق و باطل با هم مخلوط می‌شوند و باطل لباس حق بر تن کرده و جلوه‌نمایی می‌کند.

در زمان پیغمبر اکرم (ص) آزمایش‌ها به تدریج سخت شد؛ در ابتدا، اگر یاران پیامبر (ص) در مقابل ثروتمندان و بزرگان قریش کم بودند؛ ولی دشمنان حضرت از نظر منطبق و استدلال بسیار ضعیف بودند، لذا در این مرحله برای مسلمانان امتحان دشوار نبود. با هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی در آن برهه از زمان، امتحانات الهی سخت‌تر شد. از جمله این‌که منافقین اقدام به ساختن مسجدی کردند تا تحت پوشش آن به مقاصد سوء خود برسند، اما بعضی از مسلمانان مقابله با این مسجد را نمی‌توانستند بپذیرند، زیرا می‌گفتند ویران کردن مسجد تخریب خانه خدا است.

در دوران حکومت حضرت علی (ع) حتی بعضی از کسانی که با حضرت بیعت کردند، پس از دیدن روش حکومت آن حضرت فهمیدند که علی (ع) برای آن‌ها سهمی در اداره امور جامعه قایل نیست و امور را بر اساس نظرات آن‌ها اجرا نمی‌کند، لذا به بهانه این که حکومت علی (ع) دیکتاتوری است، او را تنها گذارده و حتی جنگ‌هایی را علیه او راه انداختند و مدت زیادی از حکومت آن حضرت به جنگ سپری شد و به این ترتیب عده زیادی از مسلمانان که سابقه خوبی نیز داشتند، در این آزمون الهی بازنده شدند.

آن قدر شرایط غبارآلود شد که حضرت دیگر امیدی به اصلاح برخی نداشت و در جنگ نهروان چهار هزار نفر از کسانی را که قبلاً در رکاب

او شمشیر می‌زدند و اهل دین و نماز بودند و اثر سجده بر پیشانی داشتند، از دم تیغ گذراند و فرمودند: «من چشم فتنه را بیرون آوردم».

در حوادث بعد از حضرت امیر تا زمان سیدالشهدا (ع)، نیز فتنه‌های عدیده‌ای رخ داد و بسیاری از اصحاب در این آزمون‌های اجتماعی مردود شدند. این جریان‌ها اختصاص به آن زمان‌ها ندارد. «کل یوم عاشورا» واقعتی است و هر روز امتحانات و ابهامات و آشفتگی‌هایی پیش روی ما قرار خواهد گرفت و فتنه هم در این آشفتگی‌ها و ابهامات است.

در شرایط فتنه، حق و باطل با هم مخلوط می‌شوند و باطل لباس حق بر تن کرده و جلوه‌نمایی می‌کند. در چنین شرایطی، برای عبور از فتنه و کسب رتبه قبولی در آزمون، «بصیرت» و «اراده محکم و استوار» دو رکن اساسی برای پیروزی در مسابقه عبور از فتنه است.

با شناخت عمیق و پرهیز از سطحی‌نگری به راحتی می‌توانیم مسیر صحیح را تشخیص دهیم. این رکن اول است. اما از آنجا که همه نمی‌توانند در تمام ابعاد به شناخت عالی برسند، باید از شناخت دیگران مدد گرفت. خداوند نعمت بزرگ انبیا و ائمه‌ی معصومین و در این زمان ولی‌فقیه را به ما ارزانی داشته تا در این شرایط گمراه نشویم. بنابراین اگر ما گوش به فرمان آن‌ها باشیم، هرگز به بیراهه نخواهیم رفت. حداقل فایده این کار این است که از لحاظ ظاهری وظیفه خود را انجام داده‌ایم و حتی در صورت خطا نیز در پیشگاه خداوند معذور هستیم.

مرحله‌ی بعد از شناخت که به وسیله‌ی پیروی از اولیا و راهنمای آن‌ها حاصل می‌شود، «تقویت اراده» است که رکن دوم در مقابله با فتنه است؛ زیرا با اراده قوی می‌توانیم در اجرا و انجام آنچه فهمیدیم، ثابت‌قدم باشیم. البته این مرحله دشوارتر از مرحله قبل است؛ بسیار از کسانی بودند که سال‌ها در رکاب پیامبر (ص) و علی (ع) جنگیدند، اما با وجود این که حق را می‌شناختند، از سر عافیت‌طلبی، خودخواهی و یا فریب شیطان و هوای نفس به مخالفت با حق پرداخته و در برابر آن ایستادند و گمراه شدند. ما در کنار کارهای تشکیلاتی و مانند آن باید برای تقویت اراده از عبادات و توسل به اولیاء و ائمه (ع) غافل نشویم و از آن‌ها هم برای تشخیص و هم عمل به تشخیص مدد بجوییم.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. الانفال، ۲۸.
۲. البقره، ۱۹۱.
۳. القلم، ۶.
۴. الذاریات، ۱۳.
۵. الملک، ۲.
۶. الانسان، ۱.
۷. الحج، ۵۳.
۸. «... وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...»، البقره، ۱۹۱.
۹. البقره، ۱۹۳.
۱۰. الانعام، ۵۳.
۱۱. الزخرف، ۳۱.